

(عليه السلام) شرح رساله حقوق امام سجاد



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری

موضوع:

حق شکم (۵) / حق البطن (۵)

تاریخ ۱۳۹۳ / ۰۹ / ۱۶

■ تجلی شور و شعور حسینی در پیاده‌روی اربعین

■ عواقب مال حرام در آیات و روایات

■ مصادیق حرام در خوردن و آشامیدن

۱. درآمد نامشروع
۲. مال یتیم
۳. ربا
۴. گوشت ذبح نشده
۵. خوراکی‌های ذاتاً حرام
۶. شراب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّهِمْ

تجلی شور و شعور حسینی در پیاده‌روی اربعین

امیدواریم خداوند تبارک و تعالی به همه‌ی ما توفیق بدهد، در ایامی که دل‌ها همه متوجه کربلای معلی و حریم اقدس و عرش‌ی ابا عبدالله الحسین (علیه الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) است، دل ما هم همراه با آن کاروان‌ها مشرف به کربلای معلی شود. امیدواریم این زیارت عظیم و همایش بسیار بزرگ و جهانی شیعه، به سلامتی و عافیت رخ دهد. این همایش پیام‌های بسیار روشنی برای بشریت دارد؛ یک اتفاق کاملاً متفاوت، ایمنی‌بخش، مسرت‌آفرین است که گشایش‌ها، فرج باطنی و فتوحات معنوی بسیاری برای زائران دارد. همچنین آثار فوق‌العاده‌ای برای همه‌ی دوستداران اهل بیت

(سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) در سراسر جهان دارد؛ از دلگرمی، تقویت آتش اشتیاق، توسعه‌ی پیام‌های حسینی و بازتعریف پیام‌ها در اربعین. امیدواریم ان‌شاءالله این اتفاق بسیار بزرگ و این جریان عظیم اربعین و حرکت پیاده‌روی به سوی آن حریم آسمانی، ادامه یابد؛ حرکتی که دل از همه‌ی عاشقان و دوستداران امام حسین (علیه الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) می‌برد. امیدواریم که خدای متعال چنین زیارتی را در ایام ویژه‌ی زیارتی حضرت - مخصوصاً روز اربعین - نصیب همه‌ی دوستداران امام حسین (علیه الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) بفرماید. جمعیتی که امسال از این زیارت استقبال کرده و توصیه‌ای که اولیاء خدا به زیارت اربعین داشتند، خیلی فوق‌العاده بوده است. به نظر می‌رسد که سال‌به‌سال بر کم و کیف این برنامه افزوده می‌شود. بِحَمْدِ اللَّهِ از

همین حالا معلوم است که خیلی کیفی‌تر و باصفا‌تر از سال‌های قبل است. امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال روزی همه‌ی دوستداران اهل بیت و خانواده‌های عزیزشان کند.

عواقب مال حرام در آیات و روایات

در بحث رساله‌ی حقوق امام سجّاد (علیه السلام) به حق شکم و بطن رسیدیم. راجع به امتحانی الهی حضرت آدم و حضرت حوا (علیهم صلوات الله)، یعنی آزمون نخوردن حرام صحبت کردیم.

در زمینه‌های حرام‌خواری، هفت نکته‌ی بسیار مهم از زمینه‌های ابتلا به حرام را برشمردیم که عبارت بودند از: نکته‌ی اول، زمینه‌ی خانواده؛ نکته‌ی دوم، بالا بردن مقاومت در پرهیز از حرام؛ نکته‌ی سوم، نگاه شرک‌آلود به رزق؛ نکته‌ی چهارم، ابتلاء به حرص و آز؛ نکته‌ی پنجم، ابتلا به تحمّل؛

نکته‌ی ششم، همنشینی با افراد و خانواده‌های لاابالی و نکته‌ی هفتم، کوچک‌سازی و عادی‌سازی لقمه‌ی حرام.

بعد از اشاره به زمینه‌ها، بسترها، علل و ریشه‌های خانوادگی، اجتماعی و فردی حرام‌خواری، عواقب استفاده و مصرف مال حرام را بر اساس برخی از آیات کریمه‌ی قرآن بیان می‌کنیم. در دو جلسه‌ی قبل تحت عنوان لقمه‌ی حرام چند روایت بسیار تکان‌دهنده بیان شد. حضرت فرمودند: «وَأَمَّا حَقُّ بَطْنِكَ فَأَنْ لَا تَجْعَلَهُ وَعَاءً لِقَلِيلٍ مِنَ الْحَرَامِ وَلَا لَكَثِيرٍ؛ أَمَّا حَقُّ شَكْمِكَ فَمَا تَجْعَلَهُ حَرَامًا قَرَارًا نَدَاهِي»، هرگز - نه اندک و نه زیاد - اجازه ندهید که حرام وارد وجود شما شود و شکم خودتان را محیط چنین آلودگی و پلیدی قرار ندهید. در روایات آمده است: وقتی شخص حتی به یک لقمه‌ی حرام گرفتار

می‌شود، مورد نفرت زمین و آسمان و فرشتگان قرار می‌گیرد و رابطه‌ی او با خدای متعال تحت تأثیر لقمه‌ی حرام قرار می‌گیرد و تا چهل روز دعای او مستجاب نمی‌شود. به دو نمونه از تعابیر قرآن کریم راجع به این موضوع اشاره می‌کنیم. قرآن در این باره می‌فرماید: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»^۱ و بخورید و بیاشامید [ولی] زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد». از مصادیق برجسته‌ی اسراف، ارتکاب به حرام است. وقتی شخصی از مرز حلال عبور می‌کند و وارد منطقه‌ی حرام می‌شود، گرفتار اسراف شده است. قرآن در ادامه می‌فرماید: این را بدانید که اگر کسی وارد چنین قرقی شود، از چشم حق می‌افتد: «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»، خدای متعال مسرفین و کسانی را که در خوردن و آشامیدن، مرزها

را رعایت نمی‌کنند، دوست نمی‌دارد. تصور این محرومیت از محبت پروردگار متعال، جانکاه است؛ تا چه رسد به اینکه انسان به آن گرفتار شود. در شعری آمده است: گرز چشم همه‌ی خلق بیفتم سهل است، تو نینداز که مخذول تو را ناصر نیست. اگر خدای متعال از انسان رو برگرداند و رهایش کند و او را از مهر خود محروم کند، دیگر چه چیزی انسان رانجات می‌دهد؟ قرآن در تعبیر دیگری فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای [استفاده] شما حلال کرده، حرام مشمارید و از حد مگذرید، که خدا از حدگذرندگان را دوست نمی‌دارد»، چیزی را که خدای متعال برای شما حلال کرده، حرام نکنید و مرزها را رعایت

کنید، اعتداء و مرزشکنی باعث می‌شود انسان از محبت الهی محروم شود. قرآن می‌فرماید: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحِلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ»^۳ از خوراکی‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کردیم، بخورید [ولی] در آن زیاده‌روی نکنید که خشم من بر شما فرود آید و هر کس خشم من بر او فرود آید، قطعاً در [ورطه] هلاکت افتاده است». از چیزهای پاک، طیب و طاهری که روزی‌تان کردیم، بهره‌مند شوید. «وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ»، اینجا از کلمه‌ی طغیان استفاده شده است، به این معنا که در موضوع خوراک و تغذیه گرفتار طغیان نشوید، مراقبت باشید از حدود، مرزها و قرق‌های الهی عبور نکنید؛ اگر کسی از مرز الهی عبور کرد و گرفتار حرام‌خواری شد، غضب من، او را در بر خواهد گرفت. حرام‌خواری

انسان را در معرض خشم الهی قرار می‌دهد. در این آیه خدای متعال غضب را به خودش نسبت داده است، خدای رحمان رحیم مهربان عطوف رؤوف، نه فقط کسی را دوست نداشته باشد، بلکه به او خشم هم بگیرد؛ از چنین چیزی باید به خود او پناه برد. در ادامه فرموده است: «وَمَنْ يَحِلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ»، اگر کسی گرفتار خشم من شود، هلاک شده است و چیزی برای او باقی نمی‌ماند. کافی است ما به همین نمونه‌هایی که از قرآن کریم اشاره کردیم، توجه کنیم. وقتی انسان به سوء تغذیه گرفتار می‌شود، سلامتش در معرض خطر قرار می‌گیرد. این به جای خودش محفوظ؛ اما فراتر از سوء تغذیه آن است که کسی گرفتار حرام‌خواری شود. ابتلا به حرام‌خواری عوارض گوناگونی دارد؛ مانند آثار جسمی، روانی و روحانی.

همچنین آثار بسیار عجیب و خطرناکی در اقتصاد و خانواده و نسل ما دارد؛ آثاری که عواقب آن در برزخ و قیامت آشکار می‌شود.

■ مصادیق حرام در خوردن و آشامیدن

با استفاده از آیات قرآنی و کلمات اولیاء خدا، به صورت فهرست‌وار موارد اصلی‌تر خوردن و آشامیدن را که حرام شمرده شده است، بیان می‌کنم.

۱. درآمد نامشروع

اولین نکته که واقعاً تکان‌دهنده است، مسئله‌ی درآمد نامشروع و تهییج‌ی غذا و خوراک از درآمد نامشروع است. قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ»^۵ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا مخورید». از آیات بسیار

مهم قرآنی است که فقها در طول تاریخ پرافتخار فقه شیعه، دائماً به این آیه کریمه مراجعه کرده و با توجه به اوضاع روزگار خود، مصادیق گوناگون و متنوعی از آن را برشمرده‌اند. منظور از اکل مال به باطل این است که انسان بدون آنکه فعالیت مثبتی داشته باشد، اموال بادآورده‌ای را تملک کند. کلمه‌ی باطل از مناسبات نامشروع اقتصادی پرده‌برداری می‌کند که می‌تواند بین افراد شکل گیرد. در فقه به نمونه‌هایی از آن اشاره شده است. برای مثال، قمار از مصادیق روشن «أَكَلَ مَالِ الْبَاطِلِ» است که درآمد آن صددرصد حرام است. مثال دیگر از مصادیق «أَكَلَ مَالِ الْبَاطِلِ» رشوه است؛ پدیده‌ی بسیار شوم، خطرناک، پلید و کثیفی که آسیب‌های فراوانی دارد و متأسفانه در مناسبات اداری، در دریافت خدمات و امثال اینها، گاهی دیده می‌شود.

اخیراً اسم جالب‌تری برایش انتخاب کرده‌اند: زیرمیزی! نمونه‌ی دیگر جایی است که شخص با دروغ و فریبکاری در معامله سر طرف مقابل را کلاه می‌گذارد و از این طریق درآمدی به دست می‌آورد که در فقه به «بیع غرری» مشهور است. بیع غرری بیعی است که یکی از عوضین آن در خطر، یعنی در شرف هلاک و معرض تلف باشد^۶ که در آن فریب و دروغ وجود دارد و در واقع شخص با دروغ معامله‌ی خود را پیش می‌برد. آنچه انسان از این طریق به دست می‌آورد، از مصادیق «أَكَلَ مَالِ الْبَاطِلِ» و درآمد نامشروع است. اجرت بدون انجام تعهد نوع دیگر از مصادیق «أَكَلَ مَالِ الْبَاطِلِ» است. مثلاً شخصی، با یک اداره قرارداد دارد کاری را انجام دهد، ساعات و زمان خاصی را در اختیار شرکت باشد و خدمت خاصی را انجام دهد. چنانچه کم‌کاری کند و

از انجام وظیفه‌ی خود در قبال پولی که به عنوان حقوق به صورت روزانه یا ماهیانه، به عنوان اجرت یا به هر شکل دریافت می‌کند، کوتاهی کند و ساعاتی را که وظیفه داشته در اختیار آنها باشد، به کار دیگری بپردازد، حقوقی که دریافت می‌کند، از مصادیق این آیه محسوب می‌شود. انواع و اقسام گناهایی که ممکن است کسی انجام دهد و در برابرش پول دریافت کند؛ مثلاً غیبت، سخن‌چینی و آبروی مؤمنی را بردن و به طور کلی از طریق کارهای غیرشرعی و غیرقانونی پول دریافت کردن، همه از مصادیق «أَكَلَ مَالِ الْبَاطِلِ» است که در این آیه‌ی کریمه آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ».

۲. مال یتیم

خوردن مال یتیم دومین مصداقی است که در قرآن

کریم مورد تأکید ویژه قرار گرفته است. این مسئله در پیشگاه الهی بسیار زشت، کریه و ناپسند بوده و فوق‌العاده تقبیح شده است. کسانی که در کودکی پدر خود را از دست می‌دهند، عنوان یتیم برایشان صدق می‌کند. چنین کسی اگر در معرض جفاهایی قرار گیرد، چون نمی‌تواند از حقوق خودش دفاع کند، خدای متعال نسبت به او حساسیت بالایی نشان داده است. از دلایل بسیار زشت بودن غیبت‌شونده حضور ندارد تا از خودش دفاع کند. در مورد یتیم، شخص یتیم حضور دارد، اما نمی‌تواند از اموال خودش نگهداری کند. ممکن است از خویشاوندان و غیر خویشاوندان آدم‌های شیادی باشند که به مال یتیم دست‌اندازی کنند. خدای متعال مدافع یتیمان است؛ چنان‌که در قرآن فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ

الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَّا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا^۷ در حقیقت، کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می‌برند و به زودی در آتشی فروزان درآیند». ممکن است سؤال شود: مگر می‌شود از سر غیر ستم هم خورد؟ بله، مواردی است که یتیم قیّم دارد و مصلحتش حفاظت شده است. ممکن است تصرفی کاملاً با حساب و کتاب و تحت برنامه انجام شود که مصلحت آن بچه‌ها هم لحاظ شده باشد. این مورد اشکالی ندارد و از این آیه خارج می‌شود. «إِنَّمَا» از ادات حصر است و به باطن مسئله اشاره دارد که اکنون و در همین دنیا با خوردن هر لقمه از مال یتیم، آتش فرو می‌برند.

۳. ربا

سومین مصداق، رباخواری

است که از جمله‌ی «أَكَلَ مَالِ الْبَائِطِلِ» است و ضَمَن آیه‌ی «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ»، هم قرار می‌گیرد. در میان اموال حرام، ربا به صورت جداگانه و مستقل مورد تأکید عجیبی قرار گرفته است که نشان می‌دهد ابتلا به آن در زمان نزول این آیات زیاد بوده است. در اقتصاد جهانی و در مناسبات اقتصادی در جامعه‌ی ما، کم و بیش ردّ پای این پدیده‌ی شوم دیده می‌شود. ربا تعادل و نظم اقتصادی را بهم می‌زند و اموال بادآورده‌ی خطرناکی را درست می‌کند. کینه، حقد و خشم از عوارض دیگر ربا است. کسی که ربا می‌دهد، قطعاً تمام وجودش مملو از نفرت، کینه و خشم نسبت به ربا‌دهنده می‌شود و همواره او را لعن و نفرین می‌کند. ربا خیلی چیز عجیبی است. قرآن کریم می‌فرماید: «لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا؛^۸ ربا مخورید»، نکند مال

ربا را بخورید که دودمان شما را بر باد می‌دهد. همچنین می‌فرماید: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ؛^۹ کسانی که ربا می‌خورند، [از گور] بر نمی‌خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته‌سَرش کرده است». کسی که گرفتار رباخواری می‌شود، گرفتار جنون و شیطان‌زده شده است و تعادل شخصیتی خودش را از دست می‌دهد؛ چون تعادل و نظم اقتصادی جامعه را بهم ریخته است. چنین کسی در زندگی دنیوی، گرفتار لعن و بدبختی است و در آخرت هم با چنین رسوایی محشور می‌شود. یک آدم نامتعادل که راه می‌رود و دائم به زمین می‌خورد، از این سو به آن سو، با یک شکم گنده و با وضعی نامتعادل را در نظر بگیرید؛ رباخوار این چنین محشور می‌شود و دائماً در معرض

خنده و مسخره‌ی اهالی محشر است. قرآن در آیه‌ای دیگر درباره‌ی ربا این‌گونه هشدار می‌دهد: «فَأَذْنُوبُوا بَحْرَبِ مَنْ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ»^{۱۱} بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته‌اید». ربا یک نوع اعلام جنگ با پروردگار متعال محسوب می‌شود.

۴. گوشت ذبح‌نشده

چهارمین مصداق خوردنی حرام، خوردن گوشت ذبح‌نشده است؛ گوشتی که ذبح شرعی نداشته باشد. در آیه‌ای از قرآن کریم آمده است: «وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَفِسْقٌ»^{۱۱} و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده است مخورید؛ چراکه آن قطعاً نافرمانی است». این کار نمونه‌ای از فسق است. گوشتی که می‌خواهد مصرف شود، حتماً باید آداب ذبح شرعی درباره‌اش رعایت شده باشد. ما

چون در کشور اسلامی زندگی می‌کنیم، اصل بر این است که از چنین امکانی برخوردار هستیم و آنچه دریافت می‌کنیم، حلال است. ولی کسانی که در خارج از کشور و در کشورهای غیر اسلامی ساکن هستند، گرفتار چنین موردی هستند؛ لذا باید مواظب باشند گوشت‌ها ذبح غیرشرعی نشده باشد.

۵. خوراکی‌های ذاتاً حرام

مورد پنجم، مواردی هستند که اساساً خوردنشان حرام اعلام شده است؛ یعنی «ذاتاً» حرام هستند. در قرآن کریم و روایات اهل بیت (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) نمونه‌هایش آمده است. قرآن کریم می‌فرماید: «حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ»^{۱۲} [خداوند] تنها مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که [هنگام سر بریدن] نام غیر خدا بر آن برده شده، بر شما حرام گردانیده است».

باب گسترده‌ای در فقه در مورد خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها داریم. در آنجا موارد حرام کاملاً تبیین شده است؛ مانند گوشت خوک که از این مصادیق است و به ذبح شرعی هم بستگی ندارد. درندگان، حیوانات زهردار، حشرات و مُردار ذیل همین عنوان قرار می‌گیرند و خوردن آنها حرام است. همچنین برخی حیوانات دریایی، مانند ماهی‌های بدون پولک و موارد دیگر مانند مواد نجس و آلوده‌ی به نجاست، مواد زیان‌بخش که خطر مرگ یا ضررهای غیرقابل تحمل و شدید دارد و مواد مخدر، جزء نمونه‌های شناخته‌شده در این فهرست هستند.

۶. شراب

نوشیدنی‌هایی وجود دارد که فوق‌العاده پلید هستند و در قرآن کریم و روایات، فوق‌العاده مورد توجه قرار گرفته‌اند که نمونه‌ی آن، خمر

و شراب است. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^{۱۳} ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه پلیدند [و] از عمل شیطانند. پس، از آنها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید». شراب در این آیه در کنار قمار، بت‌پرستی و بعضی از بخت‌آزمایی‌های حرام که در آن زمان‌ها مرسوم بوده، به عنوان رجس و پلیدی که از عمل شیطان است، معرفی شده است. به مؤمنین این‌طور خطاب شده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، نه اینکه نخورید یا مبتلا نشوید؛ «فَاجْتَنِبُوهُ»، فاصله بگیرید و حریم داشته باشید. در مورد خمر و مشروب واضح است؛ چون عقل را زائل می‌کند، به عقل لطمه می‌زند و چیزی که به عقل لطمه بزند، اصل شخصیت انسانی را

در معرض فنا قرار داده است. لذا پیامبر فرموده‌اند: شراب مادرِ همه‌ی بدبختی‌ها است و درباره‌ی آن چنین تعبیری را بیان فرموده‌اند: «أُمُّ الْفَوَاحِشِ، أَكْبَرُ الْكِبَائِرِ، أُمُّ الْخَبَائِثِ، مُفْتَاخُ الشَّرِّ»^{۱۴} مادرِ پلیدی‌ها، بزرگ‌ترین گناه کبیره، مادرِ پلیدی‌ها، کلید شرّ. کسی که به شرب‌خواری مبتلا شود، در معرض همه‌ی بدبختی‌ها قرار می‌گیرد. در زمان نزول قرآن کریم در جامعه‌ی عربستان باده‌گساری بسیار رایج بود. جنون الکلی، یک موضوع شناخته شده است که بیماری‌های روانی، اخلاقی، جنایت‌ها، قتل، انواع و اقسام تجاوزهای اخلاقی، بی‌حیایی و بی‌غیرتی، از پیامدهای آن است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «أَنَّهُ مَنْ شَرِبَ جُرْعَةً مِنْ خَمْرٍ لَعَنَهُ اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ»^{۱۵} به حقیقت هر کس پیمان‌های از شراب بنوشد، خدا و ملائکه و انبیا

و تمام اهل ایمان او را لعنت کنند». اگر به‌قدری بنوشد که مست شود، روح ایمان از جسد او خارج می‌شود و یک روحِ سَخِيفِ خَيْبِثِ پلیدِ شیطانی و ملعون در وجود او حُلُول می‌کند. ارتباط معنوی شخصی که شراب خورده - حتّی با یک بار نوشیدن - تا چهل روز مورد آسیب قرار می‌گیرد. همچنین شرع تمام حوزه‌های ارتباطی با مسئله‌ی خمر را منع کرده است. خرید، فروش، نشستن سر سفره‌اش، معاشرت با شراب‌خوار و بخش عمده‌ای از موادّ مخدّر نیز به علت عواقب آن که شبیه شراب است، حرام اعلام شده است.



■ منابع و مأخذ:

۱. اعراف: ۳۱.
۲. مائده: ۸۷.
۳. طه: ۸۱.
۴. فرق: کلمه‌ای ترکیبی به معنای ممانعت، تعرض، مزاحمت و بازداشت است. فرق الهی یعنی مواردی که خداوند متعال انسان را از نزدیک شدن به آن برحذر داشته است.
۵. نسا: ۲۹.
۶. احمد بن محمد مهدی نراقی، عوائد الایام، ص ۲۹. غرر یعنی خطر، در معرض هلاک افتادن. بیع چیزی که ظاهرش مشتری را گول زند و باطن آن مجهول باشد، بیع غرری گویند.
۷. نسا: ۱۰.
۸. آل عمران: ۱۳۰.
۹. بقره: ۲۷۵.
۱۰. همان: ۲۷۹.
۱۱. انعام: ۱۲۱.
۱۲. بقره: ۱۷۳.
۱۳. مائده: ۹۰.
۱۴. رک: محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، عنوان ۱۱۲۶، حدیث ۵۱۴۵.
۱۵. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۲۹۷.



افوفا؛ درنگی بر مسائل تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir سامانه پیامکی: ۳۰۰۴۸۵۹۵۹

اثنیه‌ها، ساعت ۱۹

بازپخش دوشنبه‌ها، ساعت ۱۲



از شبکه قرآن و معارف سیما/ برنامه یاد خدا

